

جای اداره کما

ذیر - غلامین کتانی

ملکرافات و مکاتیب
باید بعنوان ذیل باشد

مجلس

مراد چهارم طرح و توزیع خواهد

گفت نمره مفت شای

کتابخانه

۱۳۳۵

نمارج کتب به ربیب ارب

تخصیص اجرت لایح و غلامان
فصومی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء
و عنوان پذیرفته نمی شود

در اشتراک جلد زنده در یافت می شود

قیمت اشتراک

یکار ۵۰ قران

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

این چه بدحسی است

پس از قسرها پریشانی وطنی تمام درجات انحطاط
و تزلزل پس از سالها فترت طاقت فرسا و استیلا
بقتل و غارت اسارت و زلنی که مافوق آن بر کما
بسیع است دلیل پریشانی مستور نیست - پس از
دست با تجربیات و امتحانات علبده - پس از
فصدن این نکته که امی ب مواقع گران بهای استفاده
را چه از دست نیاورایگان گرفتند و چه خود بد بخانه
برای فساد اخلاق و ذنات طبع از دست دادیم
پس از ادراک همه گونه مصائب و محمل هر فروع
منابع اراده خالی همسازان تغیر حوادث زمان
و سرگون کردن سخت ظالمانه ننگهای خنوع و از گون
شدن دولت مسنده روس تعلق گرفته طسیرتی
ترقی را از خاکشاک موانع صاف کرده با آوا
غورد - یکسال است که از تاریخ نبرد زاین میبیت
خدای میگذرد -

یکسال است همه نوع اسباب استفاده برای فراهم

شده - بحال است تمام دستاغل اصلاح
و ارتقاء و خود ارادی برای ما منتظرند بیفتم
برند اشتم و بگذره بست ترفی ز فستیم بلکه مشی
تقصیرانی کرده روزگار ما امروز بدتر در است
از پنج سال قبل گردیده قشون روس رفت استیلا
رووس رفت - دستاغل صریحه روس رفت
قشون عثمانی هم از حد و ایران رفت - تمام
دول متحار به ممکی تصدیق بیطرس فی حفظ استقلال
ایران داشته دارند که انگلیس - دیگر چرا
دامانده ایم؟ - دیگر چه تا ملی داریم؟ - سکوت
وستی ما برای چیست؟ - دیگر چه نظاری داریم؟
دها است علان سخامات صادر شد دکالی مرکز
تعیین گشتند - ولی هنوز اقدامی با شتاب ولایت
نشده - چرا؟ - معلوم نیست -
سیور بر این سفیر دولت بالثوکیک مدتهاست
در طهران متوقف در سما اخطار کرده که حاضر
برای اعزاء استیارات قدمه و بحال عمود رسا

و عقد مصاهبت جدیده در اصل مذکره شوم نه اورا پذیرفتند و نه در صد و برآمدند که بجهت مقصودش چیت وجه میگوید وجودش با من است یا مانع است یا مانعش قابل استماع است یا رد کردنی است - دو قدیمه روس مندم شد اما با منت مانع منبرش میامریاند - اصل از بیان رفته منبر او شک شده و با فخر رزم پوسیده نیگلا دوستی تفریق حسیده اند - صاحب شعبان روس قزاق خانه ایران کناره کرده میخواهند قزاقخانه را تحویل بدهند ولیای امور قبول نکنند و قول او را خلاف و فاداری بجا میدهند -

تا اورا استوکس انگلیسی و سفیر انگلیس مارلیک در پایتخت مکتب بودن شاه و اینهمه مردم در سردارها - و سمالاها - و ایسها - و حضرت احمد سها - و حضرت اشرفها - و ارباب انواع بدبخت ایرانی قزاقخانه را بخله تصرف میکنند نفس داری نیست - بگوید چه میکنند - ؟ - با هم اتریا و همدمان قساق زیاد میکنند - هیچکس نمیرسد همان کجا است - مکتب کیت و در آنجا چه و آن قسمه حادث شده - ! - و اتریا و همدمان چه لزومی پیدا کرده - ! - در جنوب و غرب انگلیسها قشون تشکیل میدهند و مشرق سرعت برق سباز هندی دار میکنند در مرکز جلاوا تریبید قزاق و تسلیح اشوار سفیر انگلیس بمبئی چند سفیر در بی مشرفان ایرانی است تهوریت مانع کرده صلحای قتل بر آمد میکنند کسی نیست بگوید کدام حق تقدم بچنین اعمال قبیحه

یککنند - فریاد قحطی از تمام ایران بلند است در طهران روزی بالغ بر چهار صد نفر می میرند - کندمهادر انارهای ... و در حال ایران پروردگار احکام شده کله نه را نام و دانست تانیت نام همان بزرگی دروغی که بخودشان بسته اند - حاضر بیست و پرون آورده و مردم را از مکتب نجات دهند - ولایت با محاکم یا حکامش همان کرگان گرسنه و ساهباز دکان خود رود که غیر از بول بیسج خیز را پرستش میکنند اسرار جنگی و مکتب دولتی از نقل هما یونی مستقیما بسته خانه سفارت انگلیس نقل میشود کسی نیست صاحب این کار بزرگ را بفهمد یا بفهماند - امروز شاه سفیر انگلیس - حاکم سفیر انگلیس - وزیر سفیر انگلیس - فعال با یرید سفیر انگلیس ختمتیار در بار با سفیر انگلیس - غزل و نصب حکام با سفیر انگلیس - تعیین وزراء با سفیر انگلیس - قوای دولتی در اختیار سفیر انگلیس - ختمتیار جراید با سفیر انگلیس -

با بجهت رشته حیات تمام مکتب و سلطنت در کیت سفیر انگلیس - هر کاری که نموتندی در حال سفیر انگلیس است که عرض اندم میکنند - تاریخ ایران همچو گاه چنین بی شرفی و شرب اليهودی را نشان میدهد - قاحت کارای ابد بر از دوره شاه سلطان حسین شده - محشر غریبی است بیگانه عیسی است - واقع آنسان تخیر و سهوت میشود نگر در این سلسله و هماد کباب میماند - نفس در این اوضاع خسته اشخاص حساس را برانگیزد

نیاید. چگونه ستوان تحمل کرد؟ - چنان ممکن است
 طاقت آورد! - که پادشاه یک ملک بزرگ
 جانشین اردشیر با یک خود را مطیع صرف اراده
 کلی از ادنی نوکرهای دولت نگلیس ناید
 این چه بدبختی است که مجدداً باین کشور
 محنت کشیده متوجه گشته؟ -
 چه روزگاری است که با زخم در مقابل دیده
 حصوره گرفته؟ -
 آنحضرت! تا جدارا! حق و جمع موجود است
 گویند که عریض با صیقل و خالی از شایسته
 و ثروپرست -
 خاطر مقدس است! متوجه باین مسئله بنمایم که ایران
 دیگر طاقت نگشاید و بارززه من بیاورد رعیت را
 ندارد - ملک خراب شد - ملت گدا و نابود
 گردید - ثروت معدوم گشت - تجارت
 و غلات از زمین رفت - دیگر زره طاقت و توانی
 نمانده - در این موقع روایت شخص آنحضرت بفر
 خاتین دربار و شیخ انگلیسهای قدار بجزای این
 کشور فرستادند
 شهریاران! پس از خلق شاه امی
 (یعنی پدر آنحضرت) با یکدیگر نایب و وطنیان
 سلطنت ایران را با آنحضرت تقدیم داشته از
 همه چیز مطمئن بودند شاه جوانیکه در قضای آزادی
 بر درش شده هر نوع اقدام جدی در اصلاح
 مملکت و رفاه رعیت خواهند فرمود - چند
 روز آوردند که آسید ابدال بیاس گشته -
 شاه مشروطه محبوب یک ملت بجزایات مثنی

شهرات دربار و تحسیر یک غیر انگلیس بملی حقوق
 ملک و ملت خود را پشت بازند! -
 شرف سلاطین ترقی ملک و نشر عدالت
 و رفاه رعیت - و مختاریت شخص سلطنت است
 نه خسرانی مملکت و تحت لاری دولت مجاد بود
 است سلطنت ترویج قانون مساوات است
 نه نفی اجتماع! - قدرت بیسط قوانین حرب
 و انتخاب مأمورین لایق است نه تحصیل تقدیمی از
 حکام و تسلط آنها بجان ملت و خنثی گذاشتن
 مشروطیت و از کار بازداشتن و واثر دولتی -
 ثروت یک پادشاه آبادی حوزه سلطنت و
 از بیاد دارائی رعیت او است نه انداختن
 طلا و نقره آنهم با ترقی که مورد تقید تمام ملل عالم
 گردود - هیچ پادشاهی به دستی غیر دولت مبی
 نتواند خود بر رعیت مطیع خدا کار خویش پادشاهی
 نموده و هیچ قلمی هم تا امروز از انگلیسهای
 سکار حقیقت در راستی ندیده تا آنحضرت مشاهده
 فرمایند!
 زیاد کردن فسق با پول و صاحب منصبان انگلیسی
 و روسی توأم سلطنت را محکم نمیکند -
 عدالت و رافت فرستادند که همه ایرانی مدنی
 آنحضرت کردند زیرا عقل گفته اند تحسیر بر سر
 شاهنشاه عادل را رعیت شکر است
 شاهنشاهان سزاوار نیست که ما دشمنان بسازند
 بدوستان بنازند - آبا خبر از حال امروزه مملکت
 ندارند - آبا از زخم و فکر نشدند باید که سخنر کردید
 اسرار کتلان بر آنچه مقصودی است

نیدنم چه برهان و دلیلی عجزت استعاذ میکند
 و از چه نوع کلیاتی خاطر مقدس مطمئن میگردد
 که قدیمیان کسلان جز استقلال مملکت و تحکیم
 مبانی سلطنت مقصودی ندارند ولی تکلیسها به
 سمدستی حاشین در بار ایران را میخواهند نصیب
 نمایند!

آبذات مقدس شانانه حاضر نیستند که در این
 قضیه امتحان فرمایند تا خاصن از خادم و کاتب
 از صادق تمیز داده شود.
 اگر شخص شانانه محصور خائنین است بملت
 فرمایند آنها را از طرف سریر ساهت
 تصرف نمایند!

اگر خود عجزت شریاری از روی غنا و میل
 این برتبات تنگ آوردن تصدیق میفرمایند
 در اینجا نظریه است ان نظریه را بملت بلاغ
 فرمایند تا همه از حقیقت مسند مسوق شده
 و بدند جهت چیست شاه تاج و در مسلمان با دست
 خود بر ریشه سلطنت و قیامت ایران نیر -
 میزند!

خدیو مصر در تحت فستون انگلیس سلطان است
 پادشاه دانامک هم در مملکت کوچکی بدون فرمان
 برداری از اجنبی سلطان - کدام یک محترم
 تر و با قدرت ترند؟! -

آیا اقتدار امپراطور آلمان و عظمت او برای
 اطاعت از دولت پرگانه است یا برای متفق
 شدن بملت خود؟! -
 آیا امیر فغانان محترم تر است یا امپراطور

اطرش! آبا امیر بخارا مقدر تر است
 یا سلطان عثمانی؟! -

و استفا چگونه عجزت شریاری بدون
 هیچ مقدمه استقلال یک مملکت قدیم را محو فرموده
 و تسلیم اراده انگلیس میشود؟! -

صرف نظر از تاریخ گذشتهگان حوادث دوسیه
 حاضره نیکوتر گوای است که عجزت باید بآن
 مستند کرد شوند که بقوت پرگانگان بملت خود
 نخست و فشار آوردن حسنه خرابی زوال و
 خسران و ابلان نخبه نذر کرد

شهریاران! این عجزت ماگر چه نظاره
 قدری خارج از نزاکت جلوه میکند ولی از ستره
 مابین آب و خاک و علاقه با استقلال ایران و
 استحکام سلطنت عجزت نیکارش است
 شد!

خالق عالم را شاه قرار میدسیم که هیچ منظور و
 مقصودی جز خیر دولت و ملت و قطع ایادی اجانب
 نداریم و در این طریق حق و صواب بدون
 پروای از مشکلات و غلب تمام قوا ه تمام
 دشته و داریم زیرا در این راه مشروع زنده گانی
 ما با مشرقانه و مردن با ستر از روی شرفندی
 خواهد بود و از ذات مقدس شانانه نیز احترام
 میکنیم که پیش از این بوجهی صحنی اظهارات
 خائنین فریب نخورده قدری امتحان فرمایند
 تا مقصود قدیمیان و سایرین واضح و حقیقت
 کشف گردد! -
 ای شاهنشاه ایران ای جانشین

سلاطین کسان - ای قائم مقام ساسانیا
 راضی نشوید که این ایران مهد قدیم متمدن با دست
 اعظمت مثل مصر و خاراگردا!
 مناسب دیدم که این مقاله را بگذرا و بیات بد
 خاتمه دسیم!!!

کاخ خاقان تخت جمید فسر نوشیروان
 تا یکی باز مح دست خسیال این و آن
 طاق کسری بند کنگه کوب سنور اجنبی
 دجله خون شد زین مصیبت چون دل نوشیروان
 فارس رفت از دست و شد معدوم آن اجسم
 زین بذلت خاک بر سر میکند تاج کسان
 فتنه چون ضحاک شد در ملک فرمان گذار
 موشد فر فریدون مرد در رسم کا و بان
 نسبت بجای جنسین امین و رسم سمرطین - ن
 خون بناج و تخت ایران کرببارد اهما
 مرکز فتنه است یکسر پا تخت ملک
 کرده بد نامی مضر در مسکن نام آوران
 شاه ما از خواب غفلت دیده بگشاید اگر
 گریه بر و بر تخت خشم پوریا
 ملک چهار و محتاج حکمی حاذق است
 تن همی فر ما بدش در دست این نا بخر دا
 پادشاهارسم شاهبی یاد گیر از ویلیم
 که گذشته قدرش از قیروان تا قیروان
 ملک ساسان شد سراسر پامال دشمنان
 مان کجائید ای طان و ده ساسانیا
 خسرو دادانی که اندر خوا بگا داروش
 دیولندن خواب جید جنگل مازندران

پادشاهان تو شاستی و این مردم رزمه
 گرگ افت در رزمه غفلت اگر دوزد شبان

۲۲ جمادی اشانی - تلگراف - در تخت نزه
 حضور مبارک اعظمت سلطان احمد شاه قاجار
 خلد له ملکه

نظر بر وضعیت اینف انگیر و پیش آمد های ناگوار که
 استقلال ملک را مشرزلزل و مقامات ارجمند
 ملت و قومیت را از خسته دار نموده
 توجه خاطر هر مظهر ملوکانه در مضر خانه بکلمات دل

خواه ما بنیم
 فدائیان که از چند می قبل بدون هیچ ملاحظه فقط بنام
 استقلال ملک و سیانت تاج و تخت زنت قهرس
 اعظمت مقام و در دیباغ از دشمنان این آس خا
 از هر گونه حد کاری نعل مکرده و با یک تقسیم خل نا بید
 با سر کوزه تضادات مقاومت نموده و جان تلف
 گذارده در نجات وطن به عنبر برار تقاول و تجاوزت
 رژیم سابق روسیه دولت جبار و استقلال نکلن
 انگلیس کوشیده و یکوشیم تصور نمیدم که خدا ت
 فدائیان در نظر ایرانیان و مخصوصا آن بد تاج دار
 قابل همه گونه تقدیر و همیشه چه مور و شفید و تر دیدن
 بود اینک صلوم گردیده که جمعی از مضر زمین
 و مفیدین در مقام آن برآمده که قلب مبارک شاهانه
 نسبت باین فدائیان شبیه ناک و اقدانات اسلام
 خواهان یک جمعیت وطن خواه و استقلال طلب سا
 بصورت دیگری جلوه گر ساخته و مساعی حمیله این
 حاکمران را عقیم گذارند - از اینک بهترین

شماره ۲

صرف مبرم دو با جمعیت ملیات آن امت علیاً
 این فدا نیان بهترین گواه نیات و مقاصد است
 و هر گاه عطف و قوی زحمات سه ساله این فدا نیان
 شود قسراً تصدیق خواهد شد بخیر مقاصد خود
 که شرم عدالت و حفظ مقام قومیت و استقلال مملکت
 است تحقیق ممام دیگری نینموده و نیات بقدر
 آنحضرت اطلس های یونی را در موقع احسب اگر کرد
 و بیکدیگر ایم -

در این صورت میتوانیم استر حافا تمنا نمود که با تقاضای
 مغرضین و قوی نگذارده و فدا نیان با یک جمعیت
 خادم بان سده سنی و مقام منسج خردانه داشته
 و بوسیالی که مقتضی بدینند از و سیال مفیدین که همواره
 آبادی خود را در خسرانی ایران داشته و میدانند
 جلوگیری فرمایند -

و هر گاه بوسیال عزیزین تکرانی موجبات طینیان
 خاطر خاطر مظهر مظاهر حاصل نشود ممکن است
 با هر طوکانه نمانده این فدا نیان شرف اندوز
 گردیده با دلائل ثبته خدمات صادقانه و تپ
 انقیاد و طاعت نسبت با و امر طوکانه و دولت علیه
 مشهور ساخته و حضوراً بفر عرض برساند -
 آنحضرت تا اوضاع اشف شمال مرکز و ایالات و ولایات
 و تهدیدات زورگترین دشمن اسلام و ایران صبر
 و طاقت را از کف مسد ایرانی و این فدا نیان بود
 بردانه و لند اطراف شع سعادت و استقلال
 مملکت قیام داده و یقین است تا اثرات شخص آنحضرت
 که از همه خلافت مسد تر با این آب و خاک است
 با بضروره بیشتر خواهد بود آیا موقع آن برسید

روح بخت مملکت از آن محبت تقاول و تکاور ز
 احسانب نصمیم قطعی فسر موده و احزاب هرا انفرینند
 آنحضرت بهترین مواقع استفاده با خرمین شماره
 و قایل دوره خود رسیده بر زمین و قادی آنحضرت
 شهریاری که مرآت حقائق است با تمام
 ربانی پوشیده نیست که اندکی اصرار وقت
 این ملت ستمدیده را که و دایع ایلی و سپرد
 مان آنحضرت است بوادی عدم سوق داده
 و در فشار بر حمانه یگانه دشمن ایران و اسلام
 در گورستان ظلم و سید مد فون خواهد بست
 بهتر همانا قبل از فوت وقت در مقام علاج
 و چاره جونی برآمده رضا ایلیز یک دولت قلم
 چندین سنه را سال صورت انارت یافته در عدد
 بخارا و افغانستان بشمار آید ! -

در خانه سخنریند تکرانی خالق عالم و آدم را
 گواه گرفته که ایفد نیان طالب مال و جاه و دنیا
 با صدارت و وزارت نبوده و نخواهیم بود -
 فقط و فقط از نقطه نظر دولتمردانی و وطن دوستی
 بعضی این مستحیات بخامر نموده و نظر زرداد
 علوفت و رافت آنحضرت شایسته نسبت بر
 و فدا نیان در مقام استعانه و اشترام برآمده
 تا هر چه بر بخت و مسائل بخت این مملکت را
 از غرقاب ممالک فراهم ساخته و موجبات
 آسایش ملت ایران استیسه فرمایند !!!
 - ملت اتحاد اسلام -

- تلگراف از قزوین -

جریده هندس جنگل -

نفر محمد دزد خسرو قافی سهام سلطان مهر

سلطان - شجاع نظام بیور سابقی قیدم و دی

دوستان جنرال براتف و شاه خسرو با هم

دیر وطن و همین نظام کاشی در طهران نسبت با قافی

سین سلطه که از اشخاص صالح ایران دوست است

بعضی خوابات بی اساس مینامند توسط جریده

هندس خسرو خود مانرا از ان شهر فرورد در هند

سیاه وطن مسرفه میدارم عموم اهل خسرو قان

نمایندگان خواه بیشتر نفوس با مضای کبصد و

استاد و کتب -

رضا علی - خدا مراد - سید طالبین سبف اله - سا ابر

جاس - نور محمد کریم - حاج فریوز عبد اله - فرورد - انان

فرزادی - داب - محمد اسم - جانگیر - مندال خان

کر بلای جبال - نقی - ابوتراب - علی - رحیم

دادز - ابوتراب - شکر علی - جاس - برقی - حسین

کریم - مولاداد - سپهر رحمت - اندام - بنده علی - سنده

نور محمد - یوسف - حسین - لشکر خان - نوروز خان - قحقی

مراد - طاهر رضا - کریم - فضل اله - خرم - زمان - عبد علی

برود - جیدر خان - محمد - ابو حسن - ابراهیم - طریقی

جاستی - نوراد - علی - علی - امیر - امیر - سب با علی

انتم - محمد حسن - نجبان - استوار - احمد - سنده ان

جاسلی - گل محمد - محبوب - جیم - محمد نقی - محمد زمان

محمد سید شمس - جیدر - رستم - سید موسی - برزو

پدیز خان - فرج - عبد ابریم - خلیل - تک - محمد

علی - شیر غایت - محمود - محمد باقر - رحمت

شیخ علی حسین علی - نظری - رضا علی - رضا محمد

ابراهیم کریم علی - خیراله - شاهی - حسن - محمد علی

علی آقا - عبدالحسین - رحیم - جبار - کریم - ابراهیم - رضا

رحیمی - رمضان - ابو الفضل - محمد رحیم - خادرو جبار

بخش - جیدر - مصطفی - خوانان - محمد ابراهیم - رستم

مصطفی علی - رسول - غلامعلی - فسراد - علامه رضا - زلفی

حسن - فرج اله - صفدر - رحیمی - کریم - حسین - سبیری

حضر - آمان اله - قربانعلی - کریم - محمد ادی - شیخ

عزیزاله - رستم بیک - خدا بخش - مرتضی - باباخان -

حاجی آقا - طیمور - لطف علی - علی کریم - فاخر بخش -

الو اب - طماس - نعمت اله - لطف علی - علی کریم -

الاس - آنا بابا - اشاد اله - نور علی - حاج عبد کریم

عبد علی - صهر علی - رستم - جاس - قربان - علی - نصراله

علی - عزیزاله -

(- اعلان -)

و رب ارحم الراحمین - تامل -

الادارات دانه از حکومتی دایه و مدله و نظریه و دست

و لگراف و بریکاد و شرق و فرج سعود و لیدر و کمدید

هر یک باید بوظایف مقرر خود رفتار و در حدود و دایره

مدخله را غیر جایز دانسته مگر آن قدریکه قانون

تجویز نماید و عموم االی حتی مجاهدین و لفظ میان بگویم

حق دفاعات و با شفاعت ندارند تا ادارات

بدون ملاحظه نتوانند بوظایف خود قیام و اتمام

نوده باشند و البته ملاحظه و مسامت و شفاعت

را در رسیدگی با مورات در جبهه بخود امانت

نخواهند نمود

انت نظام اسلام

- مکتوب -

خدمت آقای دیرمسترم حمیده جنگل ام تبرک
در شماره ۲۵۱ جریده محترم فتد می راکه از
طرف این مجده نسبت بدست فردش حمیده
درج شده بود جدا نگذیر مینماید
صده در ایگونه احکام در موقع لزوم با منمای
وزارت جلیله معارف حسری آنم با اداره
جلیله نظیه است که فوه حسریه ملکت میباشد
بینه مبوط نبوده!!!

نصر سلطان

- جنگل -

سری مخصوص آقای دکا، ابدوله سیر و دار
رقوم داشتند بنا بحسن طینی که با نشان
داریم نگارشش آقای نصر سلطان رتبه
مینمایم!!!

- تقریظ -

مجله شریفه ادبی منطبه طهران بدیریت آتانا
سعد ملک لعالم ادبی و دوق جدیدی عطف
سرموده دولته آن با داره رسید
موفقت بدیرمسترم و کارکنان آن گرامی
مجله را از خداوند ملت مینایم!!!

- ادبیات گیلکی -

ای مردان بخدا ازه با سندی حرف سر
زل و کاسب و غیر گویش کینیدم نفر

آتابش طیکه همه غل کینیدی کینه

نه مثل سایر گیان آنچه نهند پشت بر

امر ترقی براران دومی دهمی گفتگو

بغیر ازاه دومی باقی مخر فیدی کس بر

اه دومی که المانه اتوقوت دار بود

ما به کس تنگه دره نترسید از توب و شر

باه دومی که هر روز با لون کشتی خور بخور

چاکنه مارم در فکره که خاکه جور دیگر

باه دومی که الان در آسمان و خاک

تکار در هر نامادانه نگویند هیچ اثر

خواهد بگویم آن چه! گوش بدیند تا بگویم

اول غلبه دوم قوه که شماره کینه بهتر

کر بداریم اه دومی ده کلیمه بر طمع

نمانه بار زور نگویند امه خاکه زیر دزر

نه شما نکلیم باره غرضه که ده زور بگو

بلکینه دوری کند که بداریم اما هنر

ترقی هر دولتی ازاه دومی ای برار

باقی دراه دوره مار شیح فایده و شیح

اگر ترقی خوانیدی تحصیل بگویند برار آن

تا که بر زور علم اما کار کینیم زیاتر

شاید که آخر کسره با اتفاق و اتحاد

ایران بیایه خلاصی از دشمنان پزیر

- محل فروش -

(ارشت)

راسته علاقه بندان قامیس را جعفر حسن زاده

زنجانی

مطبعه کما